

## آشنایی با تفسیر شُبْر

میرزا علیزاده

بخش اول



بزرگانی در گستره فرهنگ اسلامی رخ نموده‌اند که به برکت قرآن، جهانی از دانش و فرهنگ را در خود داشته‌اند؛ اندیشه‌ورانی که از دولت قرآن گامهایی بس بزرگ و سرنوشت‌ساز برداشته‌اند تا سراپهای زندگی را پشت سر نهند و انسانهای تشنه را به سرچشمه‌های زلال رهنمون شوند؛ دانشورانی که در راه شناسایی و شناساندن معارف بلند قرآنی، سر از پا نشناخته، تلاش نموده‌اند تا انسان سرگشته را از وادی گمراهی به راه آرند و او را به سر منزل مقصود ره نمایند. ایشان در این راستا، قرآن، این کتاب ابدی و ناب و لبریز از چشمه‌ساران زندگی پاک را وجهه‌همت و الگوی خویش قرار داده‌اند تا با اطمینان تمام، انسانها را به گمشده خویش برسانند و آنان را در دریای پهناور و اقیانوس بیکران قرآن مجید غوطه‌ور و شستشو نمایند.

اینان در هر زمان و مکان، کم و بیش وجود داشته و دارند و همواره پاسداران راهیابی و راهنمای بشر از حرامیان کژاندیش بوده و هستند. از سوی دیگر، علم تفسیر عمری به درازای خود قرآن دارد و پیامبر ﷺ خود مبین و مفسر آن بوده است، که تاریخ تفسیرها و مفسران را باید در نوشته‌هایی بدین نام جستجو نمود.

از این گذشته، حوزه جغرافیایی اسلام در گذر زمان همواره متحوّل و نا ثابت بوده است. زمانی مکه و مدینه (حجاز) مرکز گسترش آن بود و دوره‌ای شامات و عراق و ... و در سده‌های اخیر ایران بویژه حوزه پربرکت و مقدّس قم در چند دهه گذشته، فرهنگبان اسلام بوده است. در عراق، حوزه علمی نجف هنوز از حوزه‌های مشهور اسلام است. اصولاً حوزه جغرافیایی، فرهنگی اسلام از اسپانیا تا چین و خاور دور گسترش داشته و هم اکنون نیز رو به گسترش است. در همه این مکانها و به فراخور حال، فرهنگبانان مسلمان همچون خورشید بر آسمان زادبومشان و حتی در دیگر افقها پرتو افشانی نموده و می‌نمایند. در این میان، حوزه‌های علمی عراق از نام‌آورترین حوزه‌های علمی اسلام و تشیع بوده‌است؛ حوزه‌هایی که خاستگاه میراثبانان اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده و هست، گرچه در برهه‌هایی از تاریخ پربرکشان بویژه در دهه‌های گذشته لکه‌های سیاهی از ابر جلو نورافشانی آنها را گرفته است، ولی خورشید همواره زیر ابر تمانده و نمی‌ماند. یکی از مراکز علمی، دینی عراق، حوزه علمیه کاظمین است که حضرت آیه الله العظمی سید عبدالله حسینی مشهور به شُبْر از فارغ‌التحصیلان آن است. این ژرف اندیش فرزانه و عالم ربّانی، خدمات شایانی در زمینه‌های گوناگون علمی و اجتماعی بویژه تفسیر قرآن، به فرهنگ اسلام و تشیع نموده و در این راستا سه اثر با ارزش در تفسیر از خود به یادگار گذاشته است که در بخش نسخه شناسی با نسخه‌های خطّی و چاپی هر کدام آشنا خواهیم شد. ما در این نوشتار برآنیم تا با یاری خداوند یکی از این سه اثر یعنی «الوجیز»<sup>(۱)</sup> را به دستداران فرهنگ قرآن بویژه شیفتگان علوم قرآنی و تفسیر بشناسانیم. برای دستیابی به این مهم، نوشته زیر را در سه بخش فراهم نموده‌ایم که از نظر تان می‌گذرد:

۱- نگاهی گذرا به زیستنامه شُبْر (۱۲۴۲-۱۱۸۸ هـ.ق)

۲- آشنایی با تفسیر شُبْر

۳- کاستی‌ها

۴- نسخه‌های تفسیر شُبْر

۱. نام دیگر این تفسیر، تفسیر شُبْر و نیز تفسیر القرآن الکریم است.

## بخش نخست: نگاهی گذرا به زیستنامه شُبَّر

۱- ولادت و زادبوم: کودکی در سال ۱۱۸۸ هـ ق در خانواده‌ای مذهبی و دانش پژوه در نجف اشرف دیده به جهان گشود، که او را عبدالله نامیدند. این کودک فرخ پی از فرخ تباران و فرخنده اقبالان تاریخ بشری است، چرا که از تبار حسین بن علی علیه السلام امام سوم شیعیان و از اندیشه‌وران برجسته سده دوازده و سیزدهم هـ ق است.

وی پس از مدتی همراه پدر بزرگوارش علامه سید محمد رضا حسینی شُبَّر به کاظمین کوچ نمود و تا پایان عمر در آن شهر مقدّس به تألیف، تصنیف، تدریس و حلّ و فصل مشکلات مسلمانان پرداخت.

۲- رشد و بالندگی: بی‌گمان، تربیت نقشی بزرگ در رشد، پاکی، بالندگی و پیشرفت کودک دارد. از سوی دیگر باید دانست تربیت هر چند نیکو و نتیجه‌بخش باشد، اما اگر کودک دارای استعداد فطری (آمادگی و توان سرشتی) نباشد، ثمری نخواهد داشت، زیرا تربیت مانند آینه‌ای است که خرد را صیقل می‌دهد، ذهن را صفا و روشنی می‌بخشد و کودک را به اندازه آمادگی و ویژگیهای فطریش به سوی کمال رهنمون می‌شود. پس اگر نونهال مستعدّ و آماده بود و مدرسه و معلمی - اعم از خانواده و والدین و مدرسه اصطلاحی - داشت تا او را در دامن خویش بنشانند و برنامه تکاملی او را درست طرح‌ریزی و اجرا کنند، بی‌گمان رشد چشمگیر و مطلوبی خواهد نمود و سرانجام رهبر و الگوی جامعه خود می‌شود.

مرحوم شُبَّر از کسانی است که هم هوشی سرشار و هم آموزگاران و استادانی کارآمد و دلسوز و آشنا به راه و رسم پرورش و آموزش داشت، چرا که پدران بزرگوارش، رهبران و معلّمان اجتماع بوده و هستند، بویژه پدر گرامی و ارجمندشان که مردی وارسته و الگو بود، به گونه‌ای که در زمان خویش قطبی از اقطاب شیعه و شریعت اسلامی و در دانش و پژوهش، تکیه‌گاه دانش پژوهان و در کردار و کُیّش نیک، ضرب‌المثل بود.

۳- شخصیت علمی: اندیشمند فرزانه ما از مشاهیر علمای سده دوازده و سیزدهم هـ ق

است که در تمام<sup>(۱)</sup> رشته‌های علوم اسلامی، متخصص بود. او فقیه، متکلم، مفسر، محدث، اصولی، استاد اخلاق - چه اخلاق نظری و چه اخلاق عملی - و ... بود.

آثاری که مرحوم شبر از خود به یادگار گذاشت، به سان اعجازی در تألیف و تصنیف است؛ نوشته‌هایی که از یک سو در نوع خود بسی ارزشمند و کم‌نظیر بوده و از سوی دیگر در زمانی نسبتاً کوتاه به رشته نگارش درآمده است، زیرا معظم‌له در ۵۴ سالگی از دنیا رفته و این همه آثار گرانسنگ، بیانگر ذهنی سرشار و خلاق، جسمی توانمند و شاداب، روحی بزرگ و اراده‌ای پولادین است. تاریخ به ما می‌گوید که پرتألیف‌ترین اندیشمند شیعی مرحوم علامه حلی و سپس علامه مجلسی رحمتهما است. دو بزرگواری که نامشان در گلشن تاریخ تشیع جاوید و همیشگی است، ولی هرگاه بخواهیم نفر سومی را در انبوه و گونه‌گونی آثار سراغ بگیریم، به عالم ربانی سید عبداللّه شبر برمی‌خوریم؛ همو که در زمان خود به دلیل پرکاری و کثرت و تنوع آثار به مجلسی دوم شهرت یافت.<sup>(۲)</sup>

۴- حافظه و توان یادگیری: مرحوم شبر علاوه بر سرمایه انبوه علمی، دارای حافظه‌ای نیرومند و کمیاب، دقتی فوق‌العاده و آگاهی گسترده‌ای بود. بسیار اتفاق می‌افتاد که او را به وسیله خواندن متن روایاتی می‌آزمودند، بدین گونه که روایات را مقطع السند می‌نمودند و از او می‌خواستند تا سلسله سند را به معصوم علیه السلام برساند. او نیز باهوش سرشار و حافظه نیرومند خویش، سلسله اسناد را به اهل بیت عصمت و طهارت می‌رساند. این کار بارها و بارها از سوی بزرگان و علمای معاصرش که خود محدثان و دانشورانی بنام بودند، پیش آمد.<sup>(۳)</sup>

۱. عبداللّه مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۲، ص ۲۱۳-۲۱۲، قطع رحلی.

۲. میرزا محمد علی مدرّس تبریزی، ریحانة الأدب فی المعرفین بالکتبة واللقب، ج ۲، ص ۱۷۶؛ شیخ عباس قمی، الکنی والالقب، ج ۲، ص ۳۵۲.

بنیادهای اخلاق اسلامی، ترجمه حسین بهجو، ص ۲۳. مأخذ اخیر برگردان کتاب ارزشمند الأخلاق نوشته مرحوم شبر است.

۳. زندگینامه جامع شبر، به قلم شاگرد دانشمندش سید محمد معصوم. این رساله در مقدمه کتاب الأخلاق به طور ناقص ولی در مقدمه تفسیر القرآن الکریم به طور کامل چاپ شده است.

هد روش شُبْر در تألیف: روش نویسندگان و پژوهشگران معمولاً چنین است که به هنگام نوشتن و پژوهش باید در محیطی آرام و بی‌سروصدا باشند. به همین دلیل، بیشتر مکانهای ویژه‌ای برای این مهم در نظر می‌گیرند و آثارشان را به دور از دغدغه‌ی خاطر، تألیف و تکمیل می‌نمایند.

ولی پژوهشگر فرزانه‌ی ما - مرحوم شُبْر - بر خلاف روش پیشگفته، در جلسات عمومی می‌نشست و در دست راست قلم و در دست چپش کاغذ بود. گاهی می‌نگاشت، زمانی با دیدار کنندگانش سخن می‌گفت و با وجود این، دعاوی را به بهترین شکل، حلّ و فصل می‌نمود. بدین سان انبوه ملاقات کنندگان و سروصدای ارباب رجوع او را از تألیف و کارهای علمیش باز نمی‌داشت<sup>(۱)</sup>، چرا که این گونه انسانها، شیرینی دانش و دانش‌پژوهی را با تمام وجود دریافته‌اند و از این رو، هر گونه سختی و مانع در برابر آنان تاب نمی‌آورد.

عمر از پُر تألیفی شُبْر: برنامه‌ریزی درست، پایبندی بدان در صورت نبود موانع، توانایی و استعداد های فردی و از همه مهم‌تر تربیت صحیح خانوادگی و ... از ویژگیهای بهره‌وری و استفاده بهینه از نعمت عمر و دیگر سرمایه‌های خدادادی است. چنین رویکردی در زندگی، روند تکاملی انسان را به نحو فزاینده‌ای شتاب می‌بخشد، به گونه‌ای که انسان موانع گوناگون را در سیر تکاملی خویش یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد و سرانجام قله‌های دانش و فضیلت و انسانیت را با سرفرازی فتح می‌نماید. همه عناصر پیشگفته برای مرحوم شُبْر فراهم بود. افزون بر این، او مورد توجه و عنایت ویژه امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بود.

نقل شده که مرحوم شُبْر در این باره چنین گفته است:

«انبوه تألیفات من به سبب توجه امام همام موسی بن جعفر علیه السلام است، زیرا من حضرتش علیه السلام را در خواب دیدم و قلمی به من عطا کرد و فرمود: «بنویس». از آن هنگام،

۱. سید محمد معصوم، زندگینامه جامع شُبْر.

این توفیقا را به دست آوردم و آنچه انجام دادم به برکت همین قلم است.<sup>(۱)</sup>

۷- کرامت و تقوای شُبْر: مرحوم سید محمد معصوم از شاگردان شُبْر و از علمای

بزرگ عصر خویش، کرامتی را که خود شاهد آن بوده است، چنین باز می‌گوید:

«من فضیلتی از او (مرحوم شُبْر) دیدم که از همه فضیلتها بالاتر است. یک سال خشکسالی شد. سعید پاشا والی بغداد به مردم دستور داد تا سه روز روزه بگیرند و سپس برای استسقاء و درخواست باران از شهر بیرون روند. مردم بغداد نیز به دستور والی عمل کردند. هنگامی که از خانه بیرون آمدند لگه‌هایی از ابر در آسمان نمایان بود. زمانی که (نماز باران و) نیایش ایشان به پایان رسید (نه تنها باران نیامد بلکه) ابرها (نیز) پراکنده و هوا آفتابی شد. مردم ناامید و سرافکننده به خانه‌های خویش بازگشتند.

مرحوم شُبْر رضی الله عنه به مردم کاظمین دستور فرمودند تا سه روز روزه بگیرند. آنها هم روزه گرفتند. پس از سه روز، همراه مردم کاظمین با پای برهنه به سوی مسجد براتنا با حالت دعا و زاری به راه افتاد. با این که اندامی جسم داشت و از راه رفتن عاجز و ناتوان بود، ولی بر مرکبی سوار نشد، بلکه با پای برهنه مسیر از شهر تا مسجد را پیمود. در مسجد نمازگزاران و نیایش نمود و گریست. هنوز دعایش تمام نشده بود که ابر فضا را پوشاند و رعد و برق شروع شد و باران درگرفت و همه زمینهای عراق اعم از بغداد و دیگر جاها را سیراب نمود. بسیاری از خانه‌های اهالی بغداد را تخریب نمود به گونه‌ای که مردم ترسیدند غرق شوند. (آن‌گاه) در خدمتشان به شهر بازگشتیم.»<sup>(۲)</sup>

مشهور است که پدرش او را در عنفوان جوانی به سوی خود خواند و چنین خطابش

نمود:

«اگر از مالی که به تو می‌دهم برای درس خواندن و درس دادن استفاده نکنی - اگر چه

۱. شیخ عباس قمی، *الکُنْی و الألقاب*، ج ۲، ص ۳۵۲، مدرس تبریزی، *ریحانة الأدب*، ج ۳، ص ۱۷۷. ناگفته نماند که مرحوم سید محمد معصوم از شاگردان مرحوم شُبْر رساله‌ای درباره زندگی ایشان نوشته و این جزوه را در کتاب *تذکره شُبْر* به نقل کرده است. مرحوم شُر امام حسین رضی الله عنه را در خواب دیده است و به او قلمی هدیه کرده و فرموده است: «بنویس که تا زنده هستی». «امهات خاندان» نمی‌شود». رساله سید محمد معصوم در کتاب *تذکره شُبْر* در سال ۱۲۵۶ هجری از سوی «مناشورات مکتبه بصیرتی» در قم چاپ شده است.

۲. *تذکره شُبْر*، زندگینامه جامع شُبْر.

یک روز باشد - آن مال را بر تو حلال نمی‌کنم.»

مرحوم شُبَّر این سخن را در تمام دوران زندگی خویش آویزه گوش نمود، به گونه‌ای که در زمان تحصیل دیده شد که «دوات» خویش را برای تهیه غذا فروخت. هنگامی که دوستان وی علت این کار را پرسیدند، پاسخ داد:

«امروز کسالتی داشتم که در پی آن بناچار از مطالعه مستمر و پیگیر درس ناتوان بودم. دلیلی نیز نیافتم تا به خود اجازه دهم که از اموال پدرم چیزی بخورم.»<sup>(۱)</sup>

### مرحوم شُبَّر از دیدگاه دانشمندان مسلمان

در این بخش، دیدگاه برخی از دانشمندان مسلمان را درباره مرحوم سید عبدالله شُبَّر می‌آوریم تا عظمت این عالم ذوفنون بیش از پیش نمایان گردد.

۱- شیخ عبدالنبی کاظمی رحمته الله علیه: سید عبدالله شُبَّر در همه زمینه‌های معارف اسلامی از تخصص کافی برخوردار بود و در بیشتر زمینه‌ها از تفسیر، فقه، حدیث، لغت، اخلاق، اصول دین و مانند آن تصنیف نمود. هیچ کس مانند او در تندنویسی و (در عین حال) درست و محکم‌نگاری وجود نداشت.<sup>(۲)</sup>

۲- سید محمد معصوم رحمته الله علیه: امام شُبَّر از شخصیت‌های پرخیر و برکتی است که تاریخ او را جاودانه خواهد کرد. او دارای سرمایه‌ای علمی، حافظه‌ای نادر و کمیاب و اطلاعاتی گسترده بود. ما در برابر شخصیت و سرمایه علمی ایشان، جز این که سر تعظیم فرود آریم، کار دیگری نمی‌توانیم انجام دهیم.<sup>(۳)</sup>

۳- محمد حسین ذهبی: سید عبدالله فرزند محمد رضا علوی حسینی مشهور به شُبَّر، فقیه محدث، مفسری بسیار دانا و دارای دانش فراوانی است. در دانش اخلاق مرد بزرگی

---

۱. سید احمد حسینی، مقدمه تسلیة القواد فی بیان الموت و المعاد، تحقیق رضا استادی، ص ۶؛ سید عبدالله

شُبَّر، بنیادهای اخلاق اسلامی، ترجمه حسین بهجو، ص ۲۲.

۲. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۱۳-۲۱۲، به نقل از: تکملة الرجال شیخ عبدالنبی کاظمی. (شیخ عبدالنبی کاظمی از شاگردان مرحوم شُبَّر بوده است).

۳. سید محمد معصوم، زندگینامه جامع شُبَّر، ص ۳۳.

است. با عمری کوتاه، کتابهای زیادی نوشت. سپس نام شماری از نوشته‌های شبر را می‌نویسد.<sup>(۱)</sup>

۴- محدث قمی: سید عبدالله شبر حسینی کاظمی، فاضلی هوشیار، محدثی عالیمقام، فقیهی متبحر، دانشمندی الهی و در روزگار خود به مجلسی دوم مشهور بود. کتاب مفاتیح (فیض کاشانی) را در چند مجلد شرح و نیز کتابی به نام جامع المعارف والأحكام را که در بردارنده روایات و شبیه بحار الانوار مجلسی است، تألیف نموده است. کتابهای زیادی در زمینه تفسیر، حدیث، فقه، اصول دین و ... دارد.<sup>(۲)</sup>

۵- مدرّس تبریزی: سید عبدالله بن محمد رضا بن محمد بن احمد بن علی علوی حسینی موسوی، مشهور به شبر (بر وزن مدّت) از اعیان و مجتهدین فقهای امامیه و ثقات محدثین اثنی عشریه و عالمی است عامل، عابد، زاهد، متقی، دارای خصال حمیده و اوصاف پسندیده و تمامی علوم شرعیّه را جامع. با آن همه مواظبت و ممارستی که در انجام اطاعات و عبادات دینیّه از قبیل زیارت ائمه علیهم السلام و برادران دینی و نوافل و فتوا و قضای حوائج مسلمین و مانند اینها داشته، باز هم در اکثر علوم دینیّه از فقه و حدیث و تفسیر و لغت و اخلاق و کلام و اصول فقه و غیر آنها تألیفات سودمند و طریقه بسیاری دارد. در سرعت و جودت تألیف بی نظیر و در عصر خود به مجلسی ثانی مشهور بود، از شیخ جعفر کاشف الغطاء و میرزای قمی و صاحب ریاض و میرزا مهدی شهرستانی و دیگر اکابر وقت اجازه داشت. آن گاه بخشی از آثار ایشان را برمی‌شمارد.<sup>(۳)</sup>

۶- مرحوم مامقانی: گرچه موضوع این کتاب (تنقیح المقال) زندگینامه علماء نیست، ولی بزرگی شأن سید (عبدالله حسینی شبر) و مجتهد و محدث بودنش ما را بر آن داشت تا زندگینامه اش را بر اساس آنچه که شاگردش، شیخ عبدالنّبی کاظمی رحمته الله علیه نوشته است، در

۱. محمد حسین ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۱۸۶.

۲. شیخ عباس قمی، الکنی و الألقاب، ج ۲، ص ۳۵۲؛ سفینه البحار، (خطی، انتشارات کتابخانه سنایی)، ج ۲، ص ۱۳۷؛ هدیه الأحاب، (چاپ سینا، تهران، ۱۳۲۹)، ص ۱۸۰، جیبی.

۳. مدرّس تبریزی، ریحانة الادب، ج ۲، ص ۱۷۶ - ۱۷۵.



این جایاوریم.<sup>(۱)</sup> آن گاه سخنان مرحوم کاظمی را که پیشتر گذشت به شرح می آورد.

۷- دکتر حامد حَفَنی داوود<sup>(۲)</sup>: نویسنده این تفسیر گرانسنگ، علامه سید عبداللّه فرزند سید محمد رضا شُبّر حسینی است. او از تبار حسین علیه السلام و شاخه‌ای از درخت تناور و پرثمر و پرشاخ و برگ محمدی صلی الله علیه و آله است. شاگرد سید علی طباطبایی صاحب ریاض است. از علامه شیخ جعفر نجفی جدّ علامه شیخ محمد حسین آل کاشف الغطا اجازه تدریس و نقل روایت و آثار او را داشت. آثار فراوانی را از خود به یادگار گذاشت. اگر صفحات نوشته‌هایش بر سالهای زندگی (۵۴ سال) تقسیم شود، برآورد می شود که به طور متوسط هر روز یک جزوه تألیف کرده است. به همین دلیل، معاصرانش او را «مجلسی دوم» لقب دادند.<sup>(۳)</sup>

۸- سید محسن امین: خاندان شُبّر از خانواده‌های دانشمند و معروف عراق هستند. مرحوم سید عبداللّه شُبّر محدث و نویسنده‌ای پرتألیف است. صاحب دارالسلام او را به «دانشمند مورد تأیید و اعتماد» وصف کرده است. سپس سخن اخیر دکتر حامد حَفَنی داوود را - که از نظر تان گذشت - می آورد. نیز اضافه می کند که مرحوم شُبّر در تصنیف، تندنویس بود، به گونه‌ای که در پایان برخی از نوشته‌هایش چنین نگاشته است:

«شَرَعْتُ فِيهَا عِنْدَ الْعِشَاءِ وَ تَمَّتْ عِنْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ». (اوایل شب تألیف و نوشتن این رساله را آغاز نمودم و نزدیک نیمه شب به پایان رسید.)<sup>(۴)</sup>

#### استادان و شاگردان

سید محمد رضا شُبّر (پدر مرحوم شُبّر)، دانشمند متبحر و محقق باریکبین سید

۱. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۱۳-۲۱۲.

۲. دکتر حامد حَفَنی داوود، استاد دانشکده ادبیات در دانشگاه الازهر مصر است. او پیشگفتاری بر تفسیر شُبّر نگاشته است که دارای اهمیت ویژه‌ای است.

۳. همان منبع.

۴. سید محسن امین، اعیان الشیمة، تحقیق حسن امین، (چاپ سوم: بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۰ هـ.ق)، ج ۳۹، ص ۳۵، قطع رحلی.

محسن أعرجی، شیخ جعفر نجفی مؤلف *كشف الغطاء في الفقه الجعفري* و سید علی طباطبایی مؤلف *ریاض*، استادان مرحوم شُبَّر و شیخ عبدالنبی کاظمی، رجالی معروف، شیخ اسماعیل فرزند شیخ اسدالله، سید علی عاملی، فرزند مرحوم شُبَّر به نام سید حسن شُبَّر و ... شاگردان وی بوده‌اند. (۱)

### آثار و نوشته‌ها

مرحوم شُبَّر بیش از هفتاد رساله و کتاب نگاشته که برخی از آنها به دهها جلد می‌رسد؛ به عنوان مثال *جامع المعارف والأحكام* بیست جلد است که با قطع رحلی و حجم بیش از چهارصد صفحه خطی نگاشته است. به همین دلیل اگر این کتاب چاپ شود، احتمالاً از نظر حجم به اندازه *بحار الأنوار* شود. از این رو، مؤلف *روضات الجنات* می‌نویسد: «له (مرحوم شُبَّر) کتاب جامع المعارف والأحكام في عدة مجلدات يشبه بحار الأنوار و کتاب آخر مختصر منه.» (۲)

### وفات شُبَّر و بازتاب آن

این عالم ربانی در سال ۱۲۴۲ هـ ق در ۵۴ سالگی دیده از جهان فرو بست. ارتحال این بزرگمرد موجی او حزن و اندوه و ماتم را در شهرهای کاظمین، بغداد، نجف و ... ایجاد نمود.

مرحوم سید محمد معصوم می‌نویسد:

«هنگامی که خبر ارتحال آن مرحوم به گوش اهالی کاظمین و بغداد رسید، همچون موج، گریان و نالان به سوی خانه ایشان سرازیر شدند. تابوت جنازه‌اش را بر روی دست تاحرم کاظمین (امام موسی کاظم و امام جواد علیهما السلام) حمل کردند و او را در کنار آرامگاه پدرش علیه السلام به خاک سپردند. تمام شهرهای عراق در عزای ماتم فرو رفت.

۱. محمد بن معصوم، زندگانی شُبَّر، مندرج در مقدمه تفسیر شُبَّر.

۲. خوانساری، *روضات الجنات*، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، (قم، ۱۳۹۱ هـ ق)، ج ۴، ص ۲۶۳ - ۲۶۱.

مرحوم صاحب جواهر - مرجع تقلید وقت - در نجف برای مرحوم شُبَّارِ مجلس ترحیم گرفت. در ایران نیز برای ایشان مجالس سوگواری و نوحه‌خوانی برگزار شد. سپس فرزندش سید حسن شُبَّارِ بر کرسی تدریس و تحقیق پدر تکیه زد و شاگردان پدر نیز پیرامون او را گرفتند و بدین گونه افاضه پدر توسط فرزند خلفش استمرار یافت. سید حسن نیز برخی از آثار ناتمام پدر را تکمیل نمود.<sup>(۱)</sup>

### بخش دوم: آشنایی با تفسیر شُبَّارِ

گوناگونی موضوعهای قرآنی مقوله‌ای است که تفصیل آن از حوصله این مقاله بیرون است، ولی برجستگی برخی از آنها بویژه موضوعات اختلافی در میان فرقه‌های اسلامی، اشاره به بعضی از مباحث را - از باب قطره‌ای از دریای بیکران قرآن - ایجاب می‌نماید. ناگفته نماند که ما تنها دیدگاه شیعه و الزاماً نظرگاه مرحوم شُبَّارِ را در این جا می‌آوریم. سیاهه این موضوعها به قرار زیر است:

- بحثهای ادبی؛

- بحثهای کلامی؛

- بحثهای علوم قرآنی؛

- بحثهای فقهی.

### □ بحثهای ادبی

از آن جا که نزول قرآن در زمانی رخ داد که ادبیات در حجاز بویژه مکه رونق فراوانی داشت، آیات قرآن در بهترین قالبهای ادبی نازل شد و اگر غیر از این می‌بود، پذیرفتن سروش الهی برای اعراب سخندان، ادیب و در عین حال مشرک و بت پرست، ناممکن بود. این جاست که اعجاز ادبی قرآن رخ می‌نماید و ادیبان و نکته سنجان عرب را شیفته خود می‌نماید. پس دور از انتظار نیست که جلوه‌های ادبی در این صحیفه آسمانی و کتاب

جاوید بدرخشد. ما نیز در چهارچوب این مقاله، به نکات ادبی آیات الهی که مرحوم شُبْر به آنها اشاره نموده است، به شیوه گزینش و اشاره بسنده می‌نماییم:

## ۱- لغت

همان گونه که می‌دانیم در قرآن ترکیبها و لغتهایی هست که فهم آن حتی برای اعراب امروز نیاز به شرح و توضیح دارد؛ مثلاً عرب امروزی معنای کلمه «أَلْعَيْن»<sup>(۱)</sup> یا کلمه «الْمَنْقُوش»<sup>(۲)</sup> را بدون توضیح در نمی‌یابد.

الف - «أَلَمْ تَرِ إِلَى الْمَلَأِ...»<sup>(۳)</sup>

مرحوم شُبْر کلمه «الملاء» را به «جَمَاعَةُ الْأَشْرَافِ (اشرفیان)» معنی کرده است.

ب - «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ...»<sup>(۴)</sup>

وی در ذیل کلمه «الدَّوَابِّ» چنین می‌نگارد: «مَا دَبَّ عَلَى الْأَرْضِ»؛ یعنی: آنچه (هر جاندار) که بر روی زمین بجنبد و حرکت نماید.

ج - «وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ»<sup>(۵)</sup>

نیز کلمه «عزیز» را در این آیه به معنای «صَغْب» (سخت و دشوار) می‌گیرد. ناگفته نماند که مفسران از دیر باز برای کلمات قرآن، چه غریب و چه مأنوس، آثاری نگاشته‌اند که می‌توان از مفردات راغب اصفهانی، غریب القرآن طریحی، کلمات القرآن تفسیر و بیان از محمد حسنین مخلُوف و ... نام برد.

۱. کلمه نخست در سوره معارج، آیه ۹، و هر دو کلمه به صورت صفت و موصوف (أَلْعَيْنُ الْمَنْقُوشُ) در سوره قارعه، آیه ۵ آمده‌اند. ترکیب پیشگفته به معنای پشم ندافی شده است که امروزه در عربی بدان «الصُّوفُ الْمَنْدُوفُ» می‌گویند.

۲. همان.

۳. بقره / ۲۴۶.

۴. انفال / ۲۲.

۵. ابراهیم / ۲۰.

## ۲- صرف

الف - «و الْمَطْلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ»<sup>(۱)</sup>

کلمه «قروء» بر اساس مفاد آیه که بیانگر طهر و پاکی (از عادات ماهانه) است، می‌بایست «أقراء» باشد، زیرا آیه مبین جمع قَلَه (اندک) می‌باشد که در زبان عربی بر سه تا ده اطلاق شده است. وزنه‌های این جمع چهار وزن است که هیچ کدام بر وزن «فُعُول» نیست. ابن مالک و زنه‌های جمع قَلَه را چنین به نظم کشیده است:

«أَفْعِلَّةٌ» «أَفْعُلٌ» ثُمَّ «فِعْلَلَةٌ» ثَمَّةً «أَفْعَالٌ» جُمُوعٌ قِلَّةٌ

یعنی: وزن جمع‌های قَلَه و اندک عبارتند از: أَفْعِلَّة، أَفْعُل، فِعْلَلَة و افعال.

مرحوم شُبَّر در توجیه صرفی این کلمه می‌نویسد:

«آوردن کلمه «قروء» که بیانگر کثرت است و حال آن که جمع در آیه، جمع قَلَتْ می‌باشد و صیغه‌اش می‌بایست «أقراء» (بر وزن أفعال) می‌بود، بدین سبب است که هر یک از دو جمع قَلَتْ و کثرت به جای همدیگر به کار می‌روند و در این آیه آوردن «قروء» بر «أقراء» ترجیح داده شده است.»<sup>(۲)</sup>

ب - نکته صرفی دیگری که در این آیه هست این است که یک حکم الهی که باید صورت انشایی داشته باشد، به گونه خبری بیان شده است، زیرا همان گونه که می‌دانید کلمه «يَتَرَبَّصْنَ» خیر برای «الْمَطْلَقَاتُ» است و می‌باید با صیغه امر بیان شود. راز این نکته چیست؟ مرحوم شُبَّر می‌نویسد:

«... معنای جمله خبری، امر و فرمان است و دلیل آوردن خبر به جای انشاء برای

تأکید (بر حکم الهی) است.»<sup>(۳)</sup>

ج - می‌دانیم که اگر کاری در زمان گذشته رخ دهد باید برای بیان آن کار از فعل گذشته استفاده کرد، اما در قرآن آیه‌ای داریم که خداوند می‌فرماید ما در گذشته فرمانی دادیم و همان زمان هم امتثال و اطاعت شد، ولی انجام دادن آن را با فعل مضارع بیان فرموده است.

۱. بقره/۲۲۸.

۲. شُبَّر، تفسیر القرآن الکریم، ذیل آیه پیشگفته.

۳. همان مأخذ، ذیل آیه ۲۲۸ سوره بقره.

توجیه آوردن فعل مضارع چیست؟ آیه این است:

«إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.»<sup>(۱)</sup>

براستی، مَثَلِ عِيسَى، نزد خدا همچون مَثَلِ (آفرینش) آدم است. او را از خاک آفرید.

سپس به او گفت: «باش»، پس وجود یافت.

مرحوم سُبْر می‌نویسد: (این که به جای فعل ماضی، از فعل مضارع استفاده شده به

سبب آن است که) «فیکون» حکایت حال ماضی است.<sup>(۲)</sup>

خوانندگان گرامی برای آگاهی بیشتر به سوره‌های حج / ۱۹، محمد / ۱۶، حجرات / ۹،

حج / ۲۵، توبه / ۶۹ و اعراف / ۱۶۰ مراجعه فرمایند.

### ۳- نحو

برخی از آیات قرآن در نگاه نخست، بر خلاف قواعد نحوی است. از این رو مفسران

توجیهاتی برای این گونه آیات بیان نموده‌اند. مرحوم سُبْر نیز به عنوان مفسری

ژرف‌اندیش، دیدگاه‌های ادبی خود را در ذیل این گونه آیات بیان کرده است که ذیلاً از

نظرتان می‌گذرد:

«لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مِنْ أَمْنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ

الْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَاتِيَ الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَ

السَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامِ الصَّلَاةَ وَآتِ الزَّكَاةَ وَالْمَوْفُونَ بِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي

الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ، أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.»<sup>(۳)</sup>

شاهد ما در این آیه، کلمه «الصَّابِرِينَ» است که از نظر قواعد نحو چون عطف بر «مَنْ

أَمَنَ» است می‌باید مرفوع (الصَّابِرُونَ) باشد. مرحوم سُبْر بر این باور است که این کلمه

۱. آل عمران / ۵۹.

۲. همان منبع، ذیل جمله «ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ».

۳. بقره / ۱۷۷.

«معطوف» نیست، بلکه مخصوص به مدح است؛<sup>(۱)</sup> یعنی در اصل «أَمْدَحُ الصَّابِرِينَ» است به همین دلیل منصوب است نه مرفوع، ولی چهار جمله پیشین: آتَى الْمَالَ ...، أَقَامَ الصَّلَاةَ ...، آتَى الزَّكَاةَ ...، الْمُؤَفُّونَ، عطف بر «من امن» هستند.

\* «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِقُونَ وَالنَّصَارَى مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.»<sup>(۲)</sup>

شاهد ما در این آیه، کلمه «الصَّابِقُونَ» است. این کلمه از نظر قواعد نحوی عطف بر «الَّذِينَ» است که اسم «إِنَّ» و منصوب است. از سوی دیگر می‌دانیم که اعراب معطوف باید همانند معطوف علیه باشد، همان گونه که آیاتی نظیر این آیه در قرآن داریم که «صابئون» معطوف بر اسم «إِنَّ» و منصوب است.<sup>(۳)</sup> پس دلیل رفع «الصَّابِقُونَ» در آیه پیشگفته چیست؟

پاسخ مرحوم شبر این است که: «الصَّابِقُونَ» نهاد و گزاره آن محذوف است و تأخیر آن پس از خبر «إِنَّ» در نیت بوده است. حذف گزاره آن نیز به قرینه خبر «إِنَّ» است. و در واقع چنین است: «الصَّابِقُونَ كَذَلِكَ»، که جمله معترضه است و بیانگر آن است که صابثان با این که گمراهند<sup>(۴)</sup>، ولی اگر ایمان درست و عمل نیکویی داشته باشند، خداوند به آنان ثواب و پاداش می‌دهد. از این تفضّل الهی نتیجه می‌گیریم که دیگر پیروان ادیان الهی (اگر ایمان درست و عمل نیکو داشته باشند) از صابثان سزاوارتر به پاداش الهی هستند. آن گاه می‌فرماید:

«الصَّابِقُونَ» بر محلّ و جایگاه اسم «إِنَّ» عطف گرفته نشده، زیرا خبرش در آیه نیامده

۱. همان منبع.

۲. مائده/۶۹.

۳. بقره/۶۲، حج/۱۷.

۴. این که صابثان کیانند و چه آیینی دارند، آیا گمراهند یا نه؟ به تفسیر المیزان ج ۱، ص ۱۹۶ - ۱۹۲؛ ج ۶،

ص ۱۸۴؛ ج ۷، ص ۲۴۰ - ۲۳۷؛ ج ۱۴، ص ۳۵۸، و همچنین به تفسیر نمونه ج ۱، ص ۲۹۱ - ۲۸۸؛ ج ۱۴، ص ۴۶

مراجعه فرمایید.

است. (۱)

برای آگاهی بیشتر به سوره‌های نساء/ ۱۶۲، حج/ ۲۵، قیامت/ ۱-۲ و ... مراجعه فرمایید.

#### ۴- معانی

دانش معانی که دارای بحث‌های گوناگونی است، بیانگر تطابق سخن با مقتضای حال مخاطب است. بدین معنی که مثلاً اگر بخواهیم سخنی را به مخاطب بگوییم که او هم براحتی آن را می‌پذیرد، دیگر نیازی به تأکید کلام نیست، بر خلاف جایی که مخاطب گفته ما را نپذیرد که در این صورت ناگزیریم گفتارمان را با آرایه‌های تأکیدی بیان نماییم. قرآن که از نظر علوم ادبی، اثری جاوید و ابدی است، به عنوان کلام خداوند بنا پیامبر اسلام ﷺ و دیگر انسانها، مطابق اقتضای حال مخاطبانش فرود آمده است و همه آیات آن معیارهای دانش معانی هستند<sup>(۲)</sup>، همان گونه که میزان هدایت بشر در همه زمینه‌های زندگی می‌باشند. اینک چند نمونه از آیات قرآن را از دیدگاه معانی از نظر می‌گذرانیم:

الف - درباره کلمه «هُدًی» در آیه دُوم از سوره بقره چنین می‌نویسد:

«... وَ هُدًی خَبِرٌ مَحذُوفٌ أَوْ خَبِرٌ ثَانٍ لِّذَلِكَ، وَ التَّوَصِيفُ<sup>(۳)</sup> بِهَ لِلْمَبَالِغَةِ وَ التَّنْكِيزُ لِلتَّعْظِيمِ، وَ اخْتِصَاصُهُ بِالْمُتَّقِينَ لِأَنَّهُمُ الْمُهْتَدُونَ بِهَ، أَوْ الْمُرَادُ زِيَادَتُهُ وَ ثِبَاتُهُ لِهَمِّ كَاهِدِنَا الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ.»

ب - «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ.»<sup>(۴)</sup>

مرحوم شبر در ذیل این آیه چندین نکته ادبی بیان می‌کند که ذیلاً از نظر تان می‌گذرد:

۱. تفسیر سُبَّر، ذیل آیه ۶۹ از سوره مائده.

۲. اگر کسی در اسباب نزول آیات مطالعه کند، درخواهد یافت که قرآن چه سان طبق حال مخاطبانش نازل شده است.

۳. توجه به این نکته ضروری است که ماده «وصف» در زبان عربی به باب تفعیل نرفته است گر چه کلمه توصیف در زبان فارسی کاربرد زیادی دارد. احتمالاً نوشتن این کلمه از سهو یا ... ناسخان بوده است.

۴. حمد/ ۵.



الف - تقدیم مفعول:

۱- للحصر.

۲- لتقدمه تعالی فی الوجود.

۳- للإشعار بأنَّ العابد والمستعین ینبغی أن یرکون نظرهما بالذات إلى الحق.

ب - تکرار ضمیر:

۱- للتخصیص علی تخصیص کلّ منهما به تعالی.

۲- لبسط الكلام مع المحبوب.

ج - تقدیم «نعبد» بر «نستعین»:

۱- لتوافق الفواصل.

۲- لأنَّ تقدیم الوسيلة قبل طلب الحاجة أَدعی إلى الإجابة.

۳- لمناسبة تقدیم مطلوبه تعالی من العباد علی مطلوبهم.

۴- لأنَّ المتکلم لما نَسَبَ العبادة إلى نفسه كان كالمعتد بما یصدر منه فَعَقَبَهُ

بأنَّها أيضاً لاتتم إلا بمعونة الله تعالی.

د - ضمیر مستتر در هر دو فعل برای قاری و اثر آن را نیز بر مفرد می داند<sup>(۱)</sup> (اگر چه

ضمیر یاد شده جمع (نَحْنُ) است).

هـ - مقام و حالت کسی که این آیه را تلاوت می نماید، به دلایل زیر حالت تحقیر و

خود را در برابر پروردگار جهان کوچک و ناچیز شمردن است:

۱- لدخول الحَفْظَةِ.

۲- أو حاضري الجماعة.

۳- أو كل موجود.

۱. بدین معنی که: اگر چه ضمیر مستتر در هر دو فعل، جمع است، ولی از آن جا که خواننده یک نفر است،

اثر وضعی این درخواست برای آن فرد خواهد بود، ولی به نظر می رسد که چنین نباشد، زیرا کسی که این

سوره یا این آیه را تلاوت می نماید نماینده دیگران نیز هست، مگر آن که در هنگام خواندن فقط خودش را

در نظر بگیرد.

۴- أو كل عضو من أعضائه «وإن من شيء إلا يسبح بحمده»<sup>(۱)</sup>  
هو إيداناً بحقارة نفسه عن عَرْض العبادة منفرداً بدون الانضمام إلى  
جماعة تشاركه.

۶- احترازاً عن الكذب لو انفرد في ادعائه.

و- این آیه التفاتی نیکو دارد، زیرا:

- ۱- إظهار مزايا المحمودِ يحسُنُ عند غيره بخلاف العبادةِ و نحوها فإنه ينبغي كتمانها  
عن غير المعبود فناسب الخطاب.
- ۲- ولأنه أقرب إلى الإخلاص...<sup>(۲)</sup>

#### ۵- بیان

دانش بیان علمی است که به وسیله آن راههای گوناگون برای بیان یک مطلب شناخته  
می شود. این بخش از بلاغت نیز دارای بحثهای مختلفی است. برآنیم تا بر اساس دیدگاه  
مرحوم سُبْر برخی از نظرگاههای بیانی ایشان را از تفسیرشان گزینش نماییم که در زیر از  
نظراتان می گذرد:

الف- «و ضرب الله مثلاً قرية... فأذاقها الله لباس الجوع والخوف...»<sup>(۳)</sup>

مرحوم سُبْر در ذیل بخش دوم این آیه، نکته بیانی آن را، که استعاره است، چنین  
می نگارد:

«أستعير الذوق لإدراك أثر الشدة و اللباس لما غشيه منها، و أوقع الإذاعة عليه نظراً  
إلى المستعار له و هو الإدراك، أي: عرفها الله على أثر لباس الجوع و الخوف.»

ب- «إذا رأتهم من مكان بعيد... سمعوا لها نغيظاً... و زفيراً»<sup>(۴)</sup>

۱. اسراء/ ۴۴.

۲. حمد/ ۵.

۳. نحل/ ۱۱۲.

۴. فرقان/ ۱۲. نقطه چین نشانگر توضیح و تفسیر مرحوم سُبر است که چون محل شاهد ما نبود، نیاوردیم.

شَبَّهَ صَوْتَ غَلِيَانِهَا بِصَوْتِ الْمُغْتَاطِ وَ زَفِيرِهِ، أَوْ يَخْلُقُ لَهَا حَيَاةَ فَتْرِي وَ تَغَضُّبُ وَ تَرْفَرُ، وَ ذَلِكَ لِزَيَانِيَّتِهَا فَنَسَبَ إِلَيْهَا عَلِيَّ حَذَفَ مَضَافٍ.

ج - «... يَطِيعُ اللَّهُ... عَلِيٌّ كُلُّ قَلْبٍ مَتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ»<sup>(۱)</sup>

إِسْنَادُهُ إِلَيْهِ تَعَالَى كِنَايَةً عَنِ رَسُوخِهِ فِي الْكُفْرِ، أَوْ مَجَازٍ عَنِ تَرْكِ قَسْرِهِ، أَوْ إِسْنَادِهِ إِلَى السَّبَبِ.<sup>(۲)</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

۱. مؤمن/۳۵.

۲. از آن جا که مقاله مستقلی تحت عنوان «بديع در قرآن» در این شماره نشریه چاپ شده است، به بررسی این مسأله نپرداختیم.